

همراه شما

گفت و گو با دکتر محمد باک سرشت
مرد تمام ناشدنی تعلیم و تربیت

نشریه بسیج دانشجویی مشکات
دانشگاه فرهنگیان
پردیس شهید مفتاح شهر ری
شماره سوم / اردیبهشت نود و نه

در این نشریه می خوانیم :

شهر رمضان
بزرگ مردان کوچک
جنون شهرت
مغزهای کوچک زنگ زده
غرب وحشی
جوجه کشی
فضای مجازی و کرونا

عکاس
ایمان بازوبندی



[basij_farhangian_mofateh](#)
[nashriyemeshkat_farhangian](#)





سخن سردبیر

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

مدیر مسوول:

امیرحسین جلیلی

سردبیر:

طاها بامشاد

دبیر فرهنگی نشریه:

حامد شریفی فرد

دبیر اجتماع نشریه:

عیرضا عبدالحی

دبیر سیاسی نشریه:

طاها بامشاد

دبیر دانشجویی نشریه:

مهدی شاهسونند

کارگروه هنر و رسانه:

مهدی صلواتچی

کارگروه علمی و پژوهشی:

امیرحسین پوربخشی

روابط عمومی و مشاور ارشد:

مهدی شاهسونند

ویراستار:

سید مجتبی صالحی

صفحه آرا و طراحی:

علی صفرزاده

با عرض سلام و ادب خدمت همراهان عزیز نشریه مشکات، بسیار خرسندیم که بار دیگر همراه شما هستیم و سعی می‌کنیم مسائل و دغدغه‌های شما دانشجویان معلمان عزیز را بررسی نماییم و در جهت رفع دغدغه‌های شما تلاش کنیم.

تمام هدف نشریه مشکات این است که بتوانیم در کنار هم به آگاهی درست برسیم و مسائل و مشکلاتی که برای شما مطرح است را بررسی و رفع کنیم و روز به روز به این هدف نزدیک شویم.

این شماره از نشریه مشکات مصادف است با ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الهی، ماه میزبانی خدا از بندگان؛ در مهمانی، روابط تعریف جدید و خاصی پیدا می‌کند. مهمان گرامی است و احترام دارد و روابط صمیمی‌ای بین میزبان و مهمان هست و مهمان اگر خلاف و سوء پیشینه‌ای داشته باشد، رفتار میزبان عطف به ما سبق نمی‌شود و به خاطر خطاهای سابقش توسط میزبان محاکمه نمی‌شود؛ چون مهمانی جای این حرف‌ها نیست.

پس در این ماه مبارک و عزیز تا می‌توانید خود را در آغوش میزبان عزیز جای دهید و هر چه می‌خواهید، از ایشان بخواهید؛ چون در بزرگ‌ترین ضیافت عالم تا می‌توانیم باید استفاده کنیم و دعا کنید تا شادی‌های سابق که به علت ویروس منحوس کرونا از ما دریغ شده دوباره بازگردد و مردم، خصوصاً پرستاران و پزشکان، بتوانند دوباره از ته دل شادی و خنده کنند.

تیم نشریه مشکات دعاگوی شماست.

طاها بامشاد

۰۹۱۹۲۹۸۳۴۹۹

چند نکته:

۱. این نشریه از مقالات و مطالب دانشجویان محترم استقبال می‌کند.

۲. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است.

۳. مطالب صرفاً بیان کننده دیدگاه شخصی نویسنده است.

۴. از آنجایی که نشریه با هزینه بیت‌المال و به صورت رایگان تهیه می‌شود، لطفاً بعد از مطالعه در اختیار دوستانان قرار دهید.

۵. لطفاً پیشنهادات و انتقادات خود را برای ما ارسال کنید.

مهدی شاهسونند

روابط عمومی

۰۹۳۳۷۳۲۲۹۱۹



basij_farhangian_mofatteh



nashriyemeshkat_farhangian

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾

ماه رمضان (همان ماه) است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است (کتاب) که مردم را راهبر و (متضمن) دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است. (بقره. 185)

پیامبر (ص) با فرا رسیدن موسم طاعت و بندگی (رمضان)، بسیار شادمان می گشت و از دریافت پیاپی رحمت و برکت ماه صیام استقبال می نمود، درواقع او فرمان مولایش را گردن می نهاد که فرمود:

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»

از فضل و رحمت پروردگارت سخن بگو و (البته) باید به آن دل خوش بود و شادمان شد (چون) این از آنچه آنان گردآوری می کنند بهتر است.

این آیه بیان گر آن است که خشنود شدن برای خیرات و برکاتی که خداوند نازل می کند، بهتر است از خشنود شدن انسان ها برای

سرمایه ها و کالاهای دنیا، بنابراین برای نازل شدن احکام و فرایض اسلامی در قرآن و در رأس آن روزه ماه مبارک

پیامبر مسلمین را برای کوشش و تلاش عبادی بیشتر در رمضان آماده می ساخت. برای پیشبرد این هدف و کاربردی

کردن آن از ویژگی های ماه رمضان و افزایش پاداش ها در این ماه مبارک می فرمود:

«إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَتَحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَغُلِقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلِّسَتْ الشَّيَاطِينُ»

«آن گاه که ماه رمضان درآید درهای آسمان گشوده و درهای جهنم بسته و همه شیاطین در بند می شوند»

رمضان کرم

Ramadan Kareem

کرونا فرصت جدید بندگی

کرونا فرصت جدیدی برای کسب مهارت های معنوی به وجود آورد و آن انقطاع از جمع و اتصال به خدای متعال است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره میفرمایند:

در غیاب جلسات عمومی ماه رمضان — که این جلسات عمومی جلسات دعا، جلسات سخنرانی، جلسات توسل، بسیار مغتنم بود که امسال علی القاعده محرومیم از این جلسات — در غیاب این جلسات از عبادت و تضرع و خشوع در تنهایی غفلت نشود؛ ما میتوانیم در اتاق خودمان، در خلوت خودمان، در خانواده ی خودمان، در میان خانواده و فرزندان خودمان، میتوانیم همین معنا را، همین توجه را، همین خشوع و خضوع را به وجود بیاوریم و البته خب در برنامه های تلویزیون مواردی هم بخش میشود که از آن هم میشود استفاده کرد. و بایستی این کار را انجام بدهیم.

کاسه های برعکس

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ
وقتی که خداوند در این ماه ابواب رحمتش را به روی همه گشوده و ما را دعوت بر این خوان کرده، اگر از این فرصت استفاده نکنیم، مثال ما این آیه شریفه فوق الذکر است و نام ما جزء مستکبرین نوشته می شود.

در همه ماه های سال میشود به درگاه خداوند توبه و دعا و مناجات کرد، اما فرق ماه مبارک رمضان این است که رمضان در میان ماه های سال، فرصتی دارد که در این فرصت بیش از هر زمان دیگری می توانیم قرب خداوند را بدست آوریم. اما اگر از این فرصت استفاده نشود خدا حق دارد در اوقات دیگر هم ما را از مقرب شدن محروم کند

تا وقتی سفره رحمت الهی پهن نشده و آن دعوت همگانی صورت نگرفته، اگر توبه و مناجات نکردیم، کار بدی مرتکب شدیم، ولی نام ما را جزء مستکبرین نمی نویسند. اما وقتی فرصتی مثل رمضان را به ما عطا کرد و ما این فرصت را از دست دادیم، اینجا دیگر اسم ما را جزء مستکبرین می نویسند. ماه مبارک رمضان درعین حال که محبوب است و درهای رحمت الهی در این ماه گشایش می شوند، اما باید توجه داشت که عظمت هم دارد.

وقتی باران رحمت شروع به بارش می کند، بهتر است کاسه های بندگیمان را برعکس نگیریم.





«أَيْنَ الْمَضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا»
کجاست آن مضطری که هنگامی که دعا کند، اجابت شود

کرونا و ظهور

با شیوع ویروس کرونا، اظهارنظرهای عجیب و غریب هم شایع شد و خیل عظیم صاحب نظرانی که هرچه به ذهنشان می آید میگویند؛ چون موضوع مبهم است، به این زودی ها نمی شود مع افراد را گرفت. کرونا از روزهای اول گرفتار اظهارنظرهای سیاسی شد و سپس رجال دینی با اظهارنظرهای دینی وارد میدان شدند و بعد از آن نوبت به جامعه شناسان و فیلسوفان رسید. اقتصاددانان هم در این صف قرار گرفتند اما باید توجه کرد که کرونا یک بیماری است، بهتر است راجع به بیماری، متخصصان این حوزه، یعنی پزشکان تصمیم گیری و اظهار نظر کنند.

انواع و اقسام لباس ها برای کرونا دوخته شد؛ یکی از این لباس ها این بود که گفته شد کرونا از علائم ظهور است.

هیچ کس نرسید این بیماری چه ربطی به امام زمان دارد و چرا وبا، آنفولانزا و طاعون که ۵۰ میلیون نفر را کشتند باعث ظهور نشدند؟

سال هاست که مقدمات ظهور امام عصر به وقوع می پیوندند. از انقلاب اسلامی ایران تا جنگ تحمیلی و رخداد های شگفت انگیز منطقه.

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»: و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می کنیم و صابران را (در این حوادث و بلاها) بشارت بده.»

از امام صادق (ع) روایت شده که این آیه مربوط به ظهور منجی است.

ولی بلاها، مشکلات و خرابی ها همیشه بوده و هستند؛ اما با توجه به این آیه شریفه، بشارت باد صابرین را که بر این مصیبت ها به نحو احسن، با دلی روشن و گام های همگانی و استوار فائق آیند.

سخن دل

از نگاه کردن به عقربه های دقیقه شمار ساعت که خسته شوی، از لحظه های تنهایی و بی همراهی که خسته شوی، از بغض های فرو مانده در گلویت که خسته شوی، از لبخندهای تلخ مصنوعات که خسته شوی، از ترس های کودکانه همیشگی ات که خسته شوی، از دلگیری های مدامت که خسته شوی، از چشم های دلنگرانت که خسته شوی، از پاهای خسته در راه ماندهات که خسته شوی، از ناصبوری های خسته شوی، از نارقیقانت که خسته شوی، از دنیای بی روح که خسته شوی، از هجوم نامهربانی های دنیا که خسته شوی، از آرزوهای کالت که خسته شوی، اصلاً از دنیا که «بریده» باشی، آن وقت دلت می خواهد بروی یک جایی مثل حرم و چه غمی است و چه کند این بیچاره زندانی اگر آن مأمن امن هم بسته باشد.

و حسرت باقی و غایمان تویی آقای خوبی؛ می دانی، بسیار سخت است که باشیم و از نیامدنت گلایه نکنیم. سخت است که تو را برای چهار فصل امید، نخوانیم و در خود بیوسیم.

آکو شیخ احمدی

برای داشتن زندگی شیرین و پر از صفا و صمیمیت، لازم است زن و شوهر مهارت‌های همسررداری را بیاموزند و به وظایفی که در قبال هم دارند شناخت پیدا کنند و در ادامه با رعایت این مهارت‌ها و وظایف، زندگی با طراوتی را بسازند. لازم است زن و شوهرهای جوان این نکته را بدانند که زندگی شیرین ساختگی است و باید برای داشتن آن تلاش کرد و همچنین از زندگی خود باید مراقبت کنند و مواظب آفت‌های زندگی باشند. می‌خواهیم در هر شماره از نشریه، آفتی از زندگی مشترک و راه حل‌های ائمه و اولیای خدا و همچنین شهدا را بررسی کنیم.



سیره شهدا

ثروت یا اخلاق

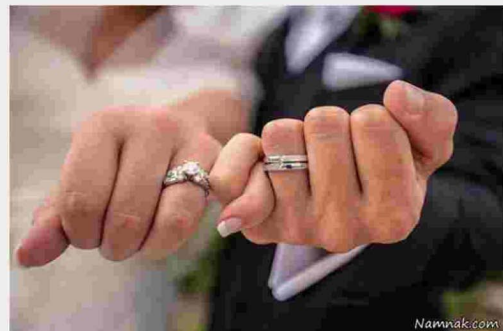
چه کسی گفته ثروت خیلی زیاد خوشبختی می‌آورد. در صفحه ۵۱ کتاب «شام عروسی»، از خاطرات شهید مهدی باکری آورده‌اند برای عروسی، هیچ هدیه‌ای نگرفت.

«فکر کردیم که چرا باید بعضی از وسایل تحمیلی وارد زندگی ما بشه. تمام وسایل زندگی‌مون دو تا موکت، یک کمد و یک ضبط صوت، چند جلد کتاب و یک اجاق گاز دو شعله کوچک بود.

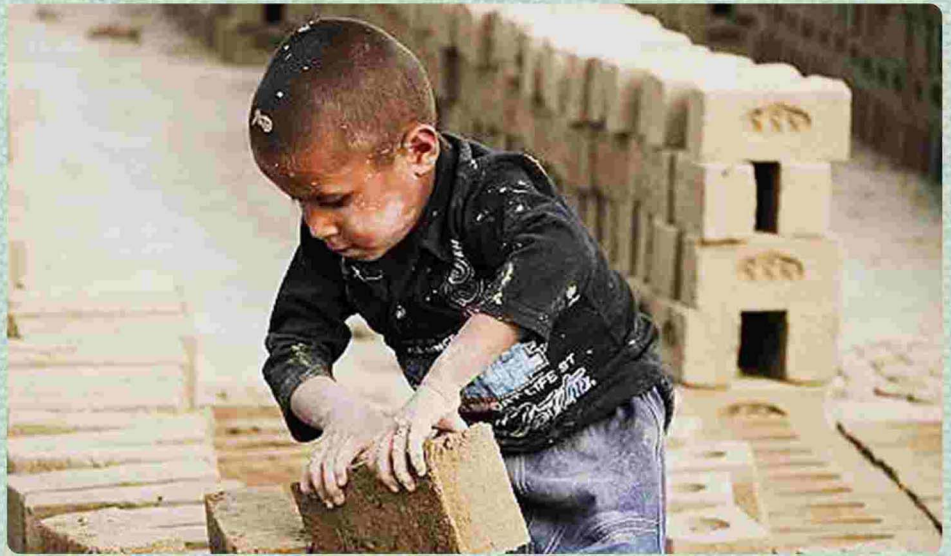
با همدیگه قرار گذاشتیم فقط لوازم ضروری برای خودمون بخریم و نه بیش‌تر. خوشبختی به داشتن ثروت زیاد نیست؛ بلکه این ویژگی و خصایص زوجین است که خوشبختی می‌آورد. اگر همه مال و اموال، صفرهایی باشند برای بالا بردن رقم ثروت، زندگی بدون داشتن اخلاق نیک که به مثال عدد یک می‌باشد، تنها صفرهایی خواهد بود بی معنا.»

ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات

زندگی مشترک هر چقدر هم که ساده و بدون خرج‌های آنچنانی برای مهمانی باشد، زوجین بیش‌تر احساس آسایش می‌کنند. میانه‌روی بودن در هر زمینه‌ای خوب است اما در زندگی مشترک پسندیده‌تر است. چرا که با میانه‌روی در هزینه‌های زندگی، از اسراف جلوگیری می‌شود. اسراف کردن از صفات مذموم دین اسلام است. همان‌طور که که خدا در قرآن کریم می‌فرماید: «اسراف مکن چرا که اسراف‌کاران، برادران شیطان هستند.»



کودکان کار؛ بزرگ مردان کوچک



و مایهٔ مسرت سرشار از حزن‌شان، تنها «کار کردن و کار کردن است. باری، کودکانی که از کودک بودن فقط نام آن را به یاد می‌کشند. بیایید به احترام کودکان کار برخیزیم و اراده پولادین‌شان را تحسین نماییم.»

نظری بر آمار کودکان کار در جهان

براساس آمار سازمان جهانی کار، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک پنج تا چهارده ساله در جهان، محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام وقت هستند، که در جای خود آمار تکان دهنده‌ای است. این کودکان که در آسیا ۶۱ درصد، در آفریقا ۳۲ درصد و در آمریکای لاتین ۹ درصد از آمار را تشکیل می‌دهند، زندگی می‌کنند.

نظری بر آمار کودکان کار در ایران

در ایران آمار دقیقی از تعداد کودکان کار وجود ندارد؛ زیرا شناسنامه هویتی برای کودکان کار تشکیل نشده و آمارها متنوع و در بسیاری از موارد متناقض‌اند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، حدود یک میلیون و هفتصد هزار کودک به صورت مستقیم درگیر کار می‌باشند. اما طبق آخرین آماري که مقامات ایران در تاریخ ۲۲ خردادماه سال ۱۳۹۸ دادند ۵

که بیش‌تر پول در بیاورد تا کارفرما او را از کار برکنار نکند و بقایش تهدید نشود؟ اگر به قول پدر بزرگ‌هایمان هم استناد کنیم، متوجه می‌شویم که «کار جوهر مرد است نه کودک!». مرد باید کار و مردی کند، کودک باید کودکی کند.

کودکان کار قهرمانان بی‌نشان دنیا هستند. کودکانی که به اسباب گوناگونی چون فقر، تضاد طبقاتی، جامعه، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی، جسم لطیف خود را میزبان رنج و سختی حاصل از سنگینی کار کرده تا برای صیانت از خانوادهٔ خود و یا برای حفظ زندگی خود، اندک نانی با مشقت تمام به دست آورند. کودکانی که علی‌رغم جثه‌ی کوچک‌شان، هم‌تی والا و عزمی راسخ دارند. کودکانی که با نابسامانی‌ها و ناهمواری‌های زندگی که مرد می‌طلبد، پیوسته در حال جدال هستند. کودکانی که در سرمای استخوان‌سوز زمستان و گرمای طاقت‌فرسای تابستان، در خیابان‌ها و میادین شهر به فروختن شاخه گلی به مردمان و دود کردن اسپندی برای عابران دل‌خوش‌اند.

کودکان کار! آدم شرم می‌کند این لفظ سنگین را بر زبان سبک که تاب تحملش را ندارد جاری کند. اما چاره چیست؟ چرا که حقا همه ما در گسترهٔ خلقت، ممکن‌الوجود هستیم و ممکنات هم مستعد بروز دادن اعمال ممکن هستند، خواه عمل موجد، پسندیده و نیک باشد و خواه ناپسند و قبیح.

مضمون عبارت «کودکان کار»، دل هر اندیشمندی را به درد می‌آورد و هر انسان ژرف‌اندیشی ناخودآگاه با استماع این عبارت، یک احساس ترحم غریب و بدیعی در اعماق وجودش ایجاد می‌شود. من به این انسان‌ها حق می‌دهم و آنها را درک می‌کنم؛ آخر مگر می‌شود کودکی به جای اینکه کودکی کند و از دوران شیرین و تکرارناشدنی کودکی‌اش مانند بقیه کودکان نهایت بهره را ببرد (بازی کند، تفریح کند، شاد باشد، فارغ‌بال باشد) پشت ظریفش در زیر فشار کار کردن خم شود؟ مگر می‌شود کودکی به جای فکر کردن به اینکه فردا چه و با چه کسی بازی بکند، به این موضوع بیندیشد که فردا چه کار کند.



تنها در تهران، چهارده-هزار زباله گرد وجود دارد که یک-سوم آنها یعنی چهارهزار و هفتصد نفر کودک هستند.

جالب ات بدانید براساس ماده ۷۹ قانون کار ایران، اشتغال به کار کودکان زیر پانزده سال ممنوع است. ولی شواهد در ایران گویای چیز دیگری است. قضاوت پس از تحقیق با شما.

نتایج افزایش تعداد کودکان کار

افزایش تعداد کودکان کار در یک کشور و عدم توجه دولت آن کشور به این موضوع مهم، مشکلات و نتایج نامناسبی را برای آن کشور به بار می آورد. برخی از این معضلات عبارتند از: (۱) بازماندن اغلب کودکان کار از تحصیل به سبب کار کردن برای کارفرما و در نتیجه، پایین آمدن سطح علمی آن کشور در آینده که نوید دهنده عدم پیشرفت در عرصه های علمی است؛ (۲) شرایط نامناسب محیط زندگی اجتماعی، فرهنگی و عاطفی کودکان کار و به تبع آن ایجاد زمینه برای افزایش جرم و بزهکاری در جامعه؛ (۳) افزایش تضاد طبقاتی در جامعه و به طور کلی انقسام جامعه به دو قشر «غنی و فقیر»؛ (۴) محروم شدن کودکان کار از تربیت و حمایت های خانواده، که ماحصل آن سوء استفاده از کودکان کار توسط عده ای از افراد مغرض است.

به امید روزی که با حمایت و پشتیبانی دولت ها از کودکان کار، هیچ کودک کاری در هیچ نقطه ای از جهان وجود نداشته باشد، به سخن دیگر؛ کودکان کودکی کنند و بزرگان، بزرگی!

در این قسمت شما را به مطالعه داستانی کوتاه به قلم دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، جناب مهدی ملکی نیا دعوت می کنم.

این روزها مردم در خانه هایشان مانده و آن را پناهگاه خود قرار داده اند. آنها از موجودی می ترسند که با چشم سر دیده نمی شود. این عامل بیم مردم، مدارس، دانشگاه ها، مساجد و اغلب اماکن مملو از انسان را ناگهان به تعطیلی کشانده است؛ گویی همگان در قرنطینه ای اجباری فرو رفته اند. اما سعید از این موجود نادیدنی که معروف است به «ویروس کرونا» ترسی ندارد. از نظر او این ویروس شاید از همه آدم های خوب هم خوب تر باشد. سعید نوجوانی چهارده ساله است که مسئولیت خانواده ای سه نفره برعهده اوست. او به دلیل فقر خانواده اش، مجبور است برای مراد صاحب کارش - بر سر چهارراه ها گل بفروشد

در خیابان به ندرت ماشین رد می شود. او روی جدولی نشسته و منتظر است تا چراغ راهنما قرمز شود و ماشینی توقف نماید. در طول این انتظار، به نقطه ای خیره می شود و به فکر فرو می رود و با خود می گوید:

مردم این روزها به پایان کرونا فکر می کنند و برای نابودی اش لحظه شماری می کنند. خیلی ها پایان قرنطینه را رها شدن از اسارت تعبیر می کنند؛ اما آیا به راستی اگر کرونا از بین برود و قرنطینه به پایان برسد، مردم از اسارت رهایی می یابند؟ بعید می دانم

سال هاست که با سیل و زلزله و خشک سالی دست در گریبانیم. سال هاست جنگ و آوارگی با زندگی بسیاری از مردم جهان عجین شده است. سال هاست که صاحبان قدرت و ثروتمندان، یوغ اسارت بر گردن جهانیان افکنده اند و آنان را به بردگی گرفته اند. سال هاست که مردم در قرنطینه و اسارتی خود ساخته به سر می برند واقعیت این است که ما به زندگی در قرنطینه و اسارت شیشه ای عادت کرده ایم. شیشه هایی که راه بر روشنایی و بصیرت بسته و ما را به سمت تاریکی و نابینایی کشانده اند. نه دیگر حصارهای شیشه ای را می بینیم نه روشنایی نور را. پس این کرونا آنقدرها هم بد نیست، و خوبی هایی دارد! چرا که واقعیت دنیای ما را نمایان می کند. به راستی که این حصارها قابل دیدن نیستند؛ ولی این ویروس جلوه هایی از آن را به ما نشان داد و ما؛ یعنی انسان ها نفس سرکش خود را به خوبی نشان دادیم؛ احتکار کردن لوازم مورد نیاز مردم در مواقع ضرور، سرقت لوازم بهداشتی کشورهای دیگر توسط کشورهای به ظاهر متمدن و هم دستان آنها و

از مردم شهر نابینایان نباید تعجب کرد که چرا خورشید را دشنام می دهند و تاریکی را می ستایند. با این قرنطینه و تاریکی که انسان همواره به آن مبتلاست و زندگی می کند، خود را از آنچه که برای فرزند آدم به ودیعه گذاشته شد، محروم کرده است. سال هاست که منتظریم تا کسی ما را از این قرنطینه و اسارت در حصارهای شیشه ای نجات دهد، و جهان را از ظلم و جور برهاند؛ اما دریغا که حصارهای شیشه ای را روز به روز قطورتر کرده ایم و مدت هاست با بی راهه رفتن، خود را در ژرفای تالاب تاریخ گرفتار نموده ایم سعید غرق در همین افکار بود که با صدای بوق ماشینی که او را صدا می کند به خود می آید. از روی جدول کنار خیابان بلند شده و آرام به سمت ماشین حرکت می کند.

«راننده ماشین که مردی نیک چهره است، با تبسمی ملیح می گوید: «پسرم، گل هات شاخه ای چنده؟ سعید که از این پیش آمد خرسند شده، مسرورانه می گوید: «اوووم، راستش آقا شاخه ای هفت تومن؛ ولی اگه همش رو ببری ۱۲۰ تومن.»

آن مرد شتاب زده می گوید: «همش رو می خوام، آخه امروز نیمه شعبانه. سعید در حالی که تمام گل ها را به مرد می داد، نگاهش به پرچمی افتاد که رویش نوشته شده بود «اللهم عجل لولیک الفرج»، زمزمه کنان با خودش گفت: روزی فرا می رسد که موعود می آید، تمام این حصارها را می شکند و حکومت صالحان و آزادگان جهان را برپا می کند.

مهدی ملکی نیا

ابوالفضل مرادی

نویسنده

یه زمون ...



یه زمون زیاد می شنیدیم که بعضیا میگفتن: «مملکت مگه نظامی نداره که مدافعان حرم کاسه داغ تر از آش شدن؟ می رن جنگ، برن؛ به ماچه؛ پولشو می گیرن اونا مدافعانه اسد هستن؛ پول خونشونم قبل از این که برن گرفتن؛ شهید کدومه؟ سوریه و لبنان و عراق و فلسطین و لبنان به ما چه.

به نظرم حالا که کرونا اومده تو کشور و اینجوری مردم رو خونه نشین و از عزیزترین کسانشون هم دور کرده، بد نیست یادی هم از روزایی بکنیم که نعمت امنیت سلامت رو داشتیم و همین ما رو از یه نعمت دیگه به اسم امنیت غافل کردن بود.



شاید براتون سوال پیش اومده باشه حرف‌هایی که اول نوشته‌م از قول بعضیا گفتم چه ربطی به وضعیت الان کشورمون و اصلا چه ربطی به کرونا داره.

عرض می‌کنم ...

همه‌مون می‌دونیم که امروز پزشکان و پرستاران مملکت، توی خط مقدم مبارزه با این ویروس، جونشون رو کف دستشون گرفتن و برای حفظ سلامت جامعه، شبانه روز و بی‌وقفه در حال تلاش هستن و از هیچ خدمتی دریغ نمی‌کنن. دمشون گرم، یه کلیپی از یه خانم پرستار دیدم که می‌گفت ۲۳ روزه بچه‌شو ندیده و گریه می‌کرد.

امروز همه مردم از زحمات پزشک‌ها و پرستارها مون می‌گن، ستایششون می‌کنن، با اطلاع‌رسانی توی فضای مجازی و فرهنگ سازی سعی می‌کنن باری رو از روی دوششون بردارن؛ همه‌جا پر شده از صحبتشون و دعای خیر پشت سرشون و کلی محبت دیگه؛ واقعا هم حقشونه. دمشون گرم. دم مردم هم گرم. اصلا دم همه مون گرم که با اومدن این ویروس، به جای این که مثل مردم بریتانیا به فروشگاه‌ها هجوم ببریم و فروشگاه‌ها رو از دستمال خالی کنیم یا مثل آمریکایی‌ها حتی به ماکارانی هم رحم نکنیم، چه برسه به مواد ضد عفونی و چیزهای ضروری، دست به دست هم دادیم و هر کس یه گوشه از کار رو گرفت. از

نیروهای نظامی و هلال احمر و آتش‌نشانی و روحانیون و بسیج گرفته تا مردم عادی، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنن؛ ضد عفونی کردن معابر، حضور داوطلبانه کنار کادر درمانی، انجام خرید مایحتاج افراد نیازمند و کلی خدمت دیگه که اگر بخوام یکی یکی بشمرم باید تمام مطالبش رو به عنوان کتاب چاپ کنم نه یه دل نوشته ساده. همه این بزرگواران بدون حقوق نجومی و حتی بدون این که کم‌ترین مزدی دریافت کنن، خادمی مردمشون رو می‌کنن. انقدر دمهون گرم که جنیفر گرین، نویسنده آمریکایی می‌گه: کاش همه دنیا مواجهه با کرونا رو از مردم ایران یاد می‌گرفتن و کشور ما رو به آمریکایی که خودش رو کدخدای دنیا می‌دونه و فقط صدای قمپزشون گوش دنیارو کر کرده ترجیح می‌ده.



شاید اگه مسئولین هم مثل مدافعان امنیت، به جای جلوی پاشون، آینده رو می‌دیدن و منتظر اومدن ویروس نمی‌شدن تا فکر چاره باشن و به محض انتشار خبر کرونا، زودتر به فکر کنترل مرزهامون و رفت و آمدهای مسافران خارج از کشور می‌افتادن و جدی می‌گرفتن، تعداد مبتلایان

نمی‌افتادن. همه این‌ها رو گفتم تا به این جا برسم.

خدا رو شکر پرستارها و پزشک‌هامون توی بازی سیاست، تروریست خونده نمی‌شن، کسی از حقوقی که می‌گیرن حرفی نمی‌زنه و نمی‌گه پول جونشون رو می‌گیرن، خانواده‌هاشون نیش و کنایه نمی‌شنون و طعنه نمی‌خورن و جامعه ارزش کارشون رو می‌دونه مردم ما هم همیشه قدر مدافعان امنیت رو می‌دونن، ولی روی صحبت‌م با هم‌وطن‌هایی هست که جمله‌هایی که اول نوشته گفتم رو باور دارن و حرفی رو می‌زنن که دشمن می‌خواد.

بعضی وقت‌ها برای مدافعان امنیتمون پیش میاد که به خاطر من و شما و صیانت از اسلام و کشورمون، ماه‌ها از دیدن خانواده‌هاشون و بفل کردن بچه‌هاشون محروم می‌شن. من نمی‌تونم از سختی‌ای که این بزرگواران می‌کشن چیزی بنویسم؛

زبونم قاصره.

ولی یه چیز می‌گم که از تکلیف سنگینی که هر کدوم از ما بچه مسلمون‌ها به دوش داریم و همین باعث شده مدافعان امنیتمون حتی صدها کیلومتر اونورتر از مرزهای کشورمون با تروریست‌ها و تکفیری‌ها مبارزه کنن بیش‌تر بدونیم و فکر کنیم.

اسلام ما حد و مرز

جغرافیایی نداره. پیامبرمون حضرت محمد فرموده‌ن: کسی که فریاد و استغاثه انسانی رو بشنود که مسلمانان را به یاری و کمک می‌طلبد و به یاری او نرود، مسلمان نیست.

امروز دنیا به اسلام و فرهنگ اسلامی نیاز داره و وظیفه ماست که جهان رو از منجلا بگمراهی‌ای که سیاسیون غرب برای جهان در نظر گرفتن تا به قول خودشون جهان رو به گاو شیرده برای خودشون تبدیل کن، نجات بدیم. همونطور که کشورمون رو از شون پس گرفتیم و همیشه خاری توی چشمشون هستیم و حالا نوبت جهان هست که از اسارت آزادی‌واهی‌ای که غرب براشون تداعی کرده خلاص بشن. کافیه هر کدوم از ما، زیر سایه توصیه‌های رهبری تو زمینه‌ای که تخصص داریم بدرخشیم و مثل همیشه حرکت رو به قله کشورمون رو تسریع کنیم و این انقلاب رو به سلامت تقدیم صاحب اصلیش بدیم. فرقی نداره نظامی باشیم یا پزشک و معلم و کاسب یا کارمند و... مهم اینه که تکلیفمون رو رو بدونیم و به اون عمل کنیم. اون وقت هستش که حتی زخم زبون‌هایی هم که توی این راه بهمون می‌زنن، واسمون شیرین می‌شه، چون می‌دونیم پشت صبوریه‌ها، لبخندی هست که از خدا هدیه می‌گیریم.

کرونا و وضعیت اشتغال

بیماری کرونا حوزه اشتغال را ہم بی تاثیر نگذاشته است. با ورود جناب کرونا به ایران، بسیاری از کسب و کارها تعطیل شده و صاحبان برخی مشاغل به جای پرداختن به کار، ملزم شده‌اند که در خانه هایشان بنشینند و خود را در برابر زور آزمایی کرونا ایمن نگه دارند. مغازه‌های طلافروشی که یک روز مایه زینت شهر بودند و در مقابل عامل تحسّر عده‌ای بودند، رو به تعطیلی نهادند و عرصه را برای تاخت و تاز کرونا مهیا نمودند. دانشگاه‌ها، مدارس، لباس‌فروشی‌ها، آرایشگاه‌ها، پاساژها و همه دکان‌ها به غیر از فروشگاه‌های عرضه‌کننده مایحتاج ضروری مردم، در نتیجه ورود کرونا رو به خاموشی نهادند. البته هم‌اینک در زیر لوای طرحی به نام «فاصله‌گذاری اجتماعی» و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، بیشتر مراکز مذکور حیات خود را از سر گرفتند. اما بسیاری از کارگران روزمزد هم از کار کردن بازماندند. کارگری که برای امرار معاش خانواده‌اش مجبور است که هر روز به کار کردن بپردازد و تنها امیدواری‌اش به همین کارهای روزانه است تا شکم اهل و عیالش را سیر بکند. برخی مسئولان هم بدون توجه به این قشر زحمتکش، بی‌وقفه شعار می‌دهند که «در خانه بمانید، در خانه بمانید!» عمل به این شعارها برای سلامتی همه مفید است (به ویژه آنهایی که درآمد ثابتی دارند و آسوده‌خاطراند)؛ اما نه برای آن کارگری که اگر یک روز از کارش محروم شود، در تنگنای وحشتناک اقتصادی قرار می‌گیرد و کرونای بی‌پولی به سراغش می‌آید و در مخارج زندگی‌اش می‌ماند! توصیه من به مسئولین این است که شما را به خدا قشر کارگر را در یابید و به معیشت آنها در این روزهای فراگیری کرونا عنایت داشته باشید.

در اینجا نیز عکس یکی دیگر از معلمان گرانمایه و ارجمند را مشاهده می‌فرمایید که بعد از عمل جراحی به صورت برخط به دانش‌آموزانش آموزش می‌دهد، عمل جراحی هم نتوانسته او را از عشق‌اش بازدارد.



شرکت‌های مسافربری هوایی و زمینی هم این روزها مگس می‌پراندند. آن روزی که هزینه بلیت‌های هواپیما و اتوبوس برای مسافرت‌های بین استانی هوش از سر آدم می‌پراند، این روزها کروناست که هوش از سر آن بلیت‌ها پرانده است.

اما گفتیم تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، درست است که در مدارس و دانشگاه‌ها بسته شده، اما در آموزش که بسته نشده! این روزها معلمان زحمتکش مدارس و اساتید گران‌قدر دانشگاه‌ها، با بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی ارتباط موثر آموزشی خود را با دانش‌آموزان و دانشجویان حفظ کرده‌اند؛ اما برخی از معلمان عزیز کشورمان در نقاطی که از امکانات ارتباطی محروم هستند و امکان استفاده از ظرفیت فضای مجازی در آن نقاط وجود ندارد، با توجه به عشق و علاقه‌شان به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، سختی کار در بیرون از مدرسه را تحمل کرده و با رعایت نکات بهداشتی، به دانش‌آموزان‌شان آموزش می‌دهند تا فرزندان این کشور آینده‌ای روشن داشته باشند.

در این قسمت شما را به خواندن شعری که سروده اینجانب است راهنمایی می‌کنم:

آفت گستاخ

کرونا آمد و آتش به همه عالم زد
«کرونا گفت به ملا تقی پا به فرار
کرونا رفت به سرمزل آن لات محل
«کرونا آمد و برگفت به آن کاسب مرد
کرونا رفت سوی دستفروش الکل
لیکن آن دستفروش تا کرونا را بردید
،کرونا گفت به آن کارگران روزمزد،
«بر در خانه نشینید و عدس بشمارید
کرونا خیر نبینی که ز لوٹ تن تو
کرونا آمد و مردم همه نالان شده‌اند

کرونا آمد و بر عید همه ماتم زد
«به کجا چنین گریزان! که تو را گیرم زار
نظری کرد بر آن لات شل اهل عمل
«یا بکش کرکره را یا که کنم رویت زرد
تا زند بر سر آن دستفروش خرپول
شیشه الکل بگرفت و کرونا را برچید
«گر سر کار بیایید شوید کرونا دزد
تا من هستم، ز بیم من همه گریانید
گشته تعطیل جهان و همه ماسک‌ها دپو
ز بغل‌گیری و روبوسی گریزان شده‌اند

معرفی کتاب کمی دیرتر

رمان «کمی دیرتر» تألیف سید مهدی شجاعی، داستان‌نویس، مترجم و روزنامه‌نگار معاصر است. این اثر که از چهار فصل زمستان، پاییز، تابستان و بهار تشکیل شده، نگاهی است متفاوت و نقادانه به فضای انتظار جامعه امروز. رمان با یک اتفاق شگفت و غریب آغاز می‌شود. در جشن نیمه شعبان مجلسی پرشور برپا شده و در میان فریادهای «آقا بیا، آقا بیا» حضار، فریاد «آقا نیا، آقا نیا» جوانی به گوش می‌رسد. شروع جذاب ما را با شخصیت‌هایی آشنا می‌کند که همه مدعی انتظاراند؛ اما وقتی هنگام عمل می‌رسد و هنگام عمل به شعارها می‌رسد، آن نمی‌کنند که می‌گفتند. رمان در فضایی مکاشفه‌گونه و بی‌زمان پیش می‌رود و مواجهه همه آدم‌ها را با قضیه ظهور، و کشف چرایی شعار «آقا نیا» مرد جوان را می‌بینیم. شجاعی در این رمان همه اقشار و همه آدم‌ها را با بهانه‌هایشان برای نخواستن امر ظهور، دقیق و ظریف معرفی می‌کند، تا آنجا که حتی به راوی هم رحم نمی‌کند و در فضایی بسیار بدیع، خودش را هم در معرض این امتحان می‌گذارد. نویسنده در «کمی دیرتر» همه آفت‌های انتظار را با شخصیت‌های قصه‌اش برای مخاطب روایت نمی‌کند، بلکه به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد. انسان‌های مدعی انتظار و منتظر ظهور غریبه نیستند؛ خودمانیم و شجاعی در رمانش به خوبی به این زبان دست یافته که وقتی از هر قشر و صنف و گروهی یک نمونه آورده با مصادیق کار ندارد و در پی اثبات شمول ادعایش است. نویسنده در پایان همه موشکافی‌هایش در نقد منتظران، به دنبال آن است که مخاطب منتظر واقعی را بشناسد و ببیند که انتظار به فریادهای بلند «آقا بیا» نیست؛ به دلی است که برای حضرت می‌تپد و اخلاصی که میان زندگی جاری است و آقایی که خودش به دیدار منتظرانش می‌آید. این رمان را به همه شما علاقه‌مندان به کتاب و کتاب خوانی توصیه می‌کنم، باشد که از منتظران واقعی حضرت مهدی (عج) باشیم.



امیر حسین مقصودلو یا همان امیر تتلو، خواننده‌ای معروف و یکی از مشهورترین های مجازی است. اون چهار و نیم میلیون دنبال کننده دارد یکی از پست‌هایش، رکورد بیشترین تعداد کامنت را زد. اما با این وجود در کنسرت او در ترکیه تنها ۲۰۰ بلیت به فروش رفت و کنسرت او لغو گردید. اینک بیاییم این موضوع را مورد نقد موشکافانه قرار دهیم.

دنبال کننده‌ها را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد.

الگوپذیر: فردی را که فالو می‌کنند، به عنوان الگوی خود قرار می‌دهند و مدام سعی در شبیه‌سازی خود به آن فرد در تمام ابعاد دارند.

کنجکاو: عده‌ای تنها از سر کنجکاو و برای این که ببینند در صفحه شخصی چنین افرادی که تعداد فالوئرهای بالایی دارند چه می‌گذرد؛

مخالف: دسته‌ای دیگر از فالوئرهای برای مخالفت با آن فرد او را فالو و در نظرات شرکت می‌کنند؛ غافل از این که خود این عمل نیز، به نوعی اعتبار بخشیدن به آن فرد و طرز فکر اوست.

تحلیل شخصیت تتلو از دیدگاه روان‌شناختی

او یک روز می‌گوید می‌خواهم جای خالی علی کریمی را در پرسپولیس پر کنم، روز دیگر وارد مسائل سیاسی می‌شود و از افشاگری‌های سیاسی حرف می‌زند و وارد مسائل هسته‌ای می‌شود و بر روی ناوشکن دماوند و با همکاری نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران آهنگ می‌سازد، آهنگ شهدا را می‌خواند به همین دلیل در موزه صلح تهران و در جمع جانبازان از او تجلیل می‌شود و لقب سفیر صلح ایران را به وی می‌دهند. از سوی دیگر حرف‌های رکیک می‌زند و فحاشی می‌کند و آشکارا از روابط نامشروع خود و هم‌چنین مصرف مواد مخدر سخن می‌گوید.

خالکوبی‌های عجیبی روی تمام بدنش دارد که حاکی از میل به عجیب بودن و دیده شدن است. او با اعمال خود فریاد «به من نگاه کنید» را سر می‌دهد؛ چرا که طبق سخنان خود در چند مصاحبه‌ای که انجام داده، اعلام کرده است که فرزند طلاق است و کارگری کرده.

قطعا چنین فردی دچار کمبود توجه و نیاز به دیده شدن به هر روشی دارد. بنابراین با ذکر این نکات از دیدگاه روان‌شناسی، وی دچار اختلال خلقی دوقطبی است.





تحلیل جامعه شناختی

وی دارای شخصیت ASPD یا همان شخصیت هنجارشکن و ضداجتماعی است. معمولاً از آن‌ها با عنوان افرادی صادق یاد می‌شود در صورتی که در واقع قبح‌ستیز و شرم‌ستیز هستند. فالوئرهای آنان که اغلبشان نوجوانانی هستند که در سن بحران هویت قرار دارند، خود را پشت سر چنین افرادی مخفی می‌کنند و از آن‌ها به عنوان پوششی برای هر عمل قبیحی استفاده می‌کنند. تتلو را به عنوان یک نمونه از میان جامعه سلبریتی‌ها مورد بررسی دادیم؛ چرا که مشیت نمونه خروار است.

حال بیاییم دلیل سوق یافتن جوانان و نوجوانان کشورمان را به سوی چنین افرادی و هم‌چنین الگوپذیری از آن‌ها را بررسی کنیم:

وقتی که هر اتفاق کوچک و بی‌اهمیتی سریعاً بزرگ‌نمایی شود و از طرفی کنج‌کاوی و گرایش انسان به سمت چیزهای عجیب منتهی به این می‌شود که راه برای افراد سودجو باز شود تا هر کس برای دست یافتن به شهرت، یک عمل خلاف عرف انجام دهد و آن کار به سرعت در میان مردم پخش گردد و بازخوردگیری‌ها انجام شود؛ این‌ها خود بیانگر وجود خلاء در برنامه‌ریزی‌هاست که هر اتفاق کوچکی مانند یک بمب صدا می‌کند و تا مدتی تمام افکار و اذهان را به سمت خود جلب می‌کند. تا وقتی مسئولین به شناخت زبان نسل جوان نپردازد و برنامه‌های خود را بر آن محور پایه‌ریزی نکند، هرگز به یک زبان مشترک با نسل جوان و یک برنامه کارآمد دست نخواهد یافت.

بیاییم و جوان‌ها را دست کم نگیریم و از آن‌ها در اداره کشور کمک بگیریم و مسئولیت‌هایی را به آنان محول کنیم تا آن همه انرژی و شور جوانی در چنین مسیری به تباهی نرود.





آقای دکتر پاکسرشت؛ ضمن تشکر از شما بخاطر شرکت در این مصاحبه متفاوت، بعنوان اولین سوال، لطفاً با اشاره مختصری به تحصیلات و سوابق مدیریتی، خود را معرفی کنید.

محمد پاکسرشت هستم. در سال ۵۹ با گرفتن دیپلم در دبیرستان سید جمال الدین اسد آبادی فارغ التحصیل شدم و در ۱۹ مهر همان سال، یعنی زمانی که آقای رجایی وزیر آپ بودند، مربی امور تربیتی یکی از مدارس منطقه ۶ آموزش و پرورش شدم. در کنکور دی ماه ۶۰ در رشته زبان انگلیسی در همین دانشگاه تربیت معلم شهید مفتاح قبول شدم و ۴ ماه در مفتاح تحصیل کردم. ۴ ماهی که انقدر برکت داشت که پاکسرشت، امروز با همان موتور متحرکه قدیم در مقابل شما حرف می‌زنم. برکتی که سبب شد تا جان داریم دست از تعلیم و تربیت برنداریم. در سال ۶۳ به دلیل علاقه و اشتیاقهای زیاد به علم آموزی، در اولین دوره دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد قبول شدم و بعد از انصراف از آپ و پرداخت ۱۶۰۰۰ تومان خرید تعهد به مرکز مفتاح، تا سال ۷۲ مشغول به تحصیل شدم. سرانجام جز شش دانشجوی برتر و مفتخر به ملبس شدن

به لباس روحانیت شدم. ولی چون هدف من مبارزه در راه اعتقاد بود و افرادی که در مقابل من بودند، اکثراً لباس شخصی داشتند، ترجیح دادم پوشش آنها را داشته باشم. بعد از آن در دانشگاه پیام نور در رشته برنامه ریزی و مدیریت آموزشی تحصیل کردم و در سال ۷۴ از دانشگاه آزاد فوق لیسانس گرفتم. در این سال به توصیه مرحوم پدرم، از طرف آپ به عنوان کارشناس رسانه و به مدت ۱۴ سال در دفتر مقام معظم رهبری مشغول شدم که بهترین دوران زندگی ام در این ۹ سال و ۱۴ سال، در بهترین جای دنیا بود. در سال ۸۸ از دفتر رهبری برای بحث احیای تربیت معلم اجازه گرفتم. چون این مراکز در دهه ۷۰ و ۸۰ با استدلال اینکه هزینه‌بر هستند، تعطیل شدند. حضرت آقا به وزیر وقت آقای فرشیدی، دستور احیای تربیت معلم دادند. من بر خودم واجب دانستم که فکر رهبری را پیاده کنم و با ناراحتی از دفتر ایشان جدا شدم. با توکل بر خدا ما توانستیم سال ۹۱ جشن افتتاح دانشگاه فرهنگیان را بگیریم. در سال ۹۶ مدرک دکتری فلسفه تعلیم و تربیت را گرفتم و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان شدم. از سال ۸۹ تا ۹۱ رییس مرکز مفتاح بودم و پس از ۱۰ سال، دوباره به موضع سابق و خادمی پردیس شهید مفتاح رسیدم.

۱ روابط عمومی نشریه مشکلات به منظور شفاف سازی هر چه بیشتر برخی مسائل و آشنایی بیشتر با رویکردها، فعالیت‌ها و برنامه‌های آتی، مصاحبه‌ای صریح و بی پرده با دکتر پاکسرشت سرپرست جدید دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مفتاح شهرری انجام داده است که به صورت مشروح از نظر شما دانشگاهیان عزیز می‌گذرد.

آقای دکتر شما سال‌هاست که در عرصه تعلیم و تربیت و به ویژه در دانشگاه فرهنگیان حضور دارید و فعالیت‌های زیادی انجام دادید. لطفاً به صورت مختصر در مورد تاریخچه تاسیس دانشگاه فرهنگیان و تلاش‌هایی که در جهت حفظ این دانشگاه صورت گرفت توضیح دهید.

مراکز تربیت معلم در سال ۶۰ با پیام امام شروع به کار کردند. یک جمله معروفی هم امام در ۷ دی ۶۰ فرمودند که هر کس برای تربیت معلم قیام کند، بداند که معلمی شغل الهیست. آقای رجایی که رئیس جمهور شدند، شهید باهنر وزیر آپ شد و قبل از اینکه این دو عزیز، ماحصل تربیت نیروهای خود در مراکز تربیت معلم را ببینند، در ۸ شهریور ۶۰ شهید شدند. تربیت معلم در واقع یک‌صد ساله است؛ یعنی از زمان دارالفنون تا الان. کارش هم باید تربیت معلم باشد ولی در این دهه‌های اخیر دچار فراز و نشیب شد. از زمان طاغوت که دانشسراهای مقدماتی و راهنمایی بودند تا زمان شهید رجایی، حدود ۴۰۰ مرکز تربیت معلم داشتیم ولی ۳۰۰ مرکز را از دست دادیم و این برای من به عنوان یک تربیت معلمی، مصیبت عظمی بود. تمام وزرای آپ، باید جواب بدهند. این مربوط به دولت

خاصی نیست. نگاه هزینه‌ای به تربیت معلم همواره وجود داشته است. چنان که در زمان آقای علی احمدی، تربیت معلم پولی شد. یا آقای حاجی بابایی گفته بود برای پرداخت حقوق مدرسین تربیت معلم، مثل پیام نور از دانشجویها پول می‌گیریم تا تربیت معلم تعطیل نشود. لذا افرادی مثل من، همواره در حال مبارزه بودند و آقایان اغلب برای مقابله، به ما برچسب چپی و راستی می‌زدند

نقش رهبری در احیای دانشگاه فرهنگیان چه بوده است؟

۱ از سال ۹۲ تا کنون حضرت آقا درباره دانشگاه فرهنگیان موضع قاطع گرفته است که اگر حضور ایشان در صحنه نبود، یقین بدانید که آقایان این نهال تازه پا گرفته را قطع کرده بودند. یعنی در این چهار دهه، دست‌هایی در کار بوده که تربیت معلم را به بهانه هزینه داشتن، یعنی همین صبحانه و نهار و شام و ... می‌خواستند تعطیل کنند. رهبری برخلاف مسئولین، تربیت معلم و نظام آ.پ را حاکمیتی می‌داند. به این معنا که باید سایه حاکمیت ج.ا.ا بر سر تعلیم و تربیت ایران باشد. موضوع دیگر اینکه رهبری به دانشگاه فرهنگیان نسبت به سایر دانشگاه‌ها دید دیگری دارد؛ چون همانند شهید رجایی و باهنر، معتقد است در اینجا معلم * تربیت * می‌شود. برخلاف نظر آقایانی که در این دهه اخیر بر سر کار آمدند و معتقدند باید معلم را آموزش داد. به همین علت است که رشته‌های شما از تربیت دبیر به آموزش فلان تبدیل شد

اخیراً موضوعاتی مثل واگذاری دانشگاه فرهنگیان به دانشگاه پیام نور مطرح شد. نظر شما در این رابطه چیست

در این بحث قرار بود از امکانات تعطیل دانشگاه پیام نور مثل ساختمان و صندلی و ... برای تربیت معلم استفاده کنیم. در حالی که آنها خواستار این شدند که پیام نور به تربیت دانشجو معلم بپردازد. که البته بلافاصله گروه های دانشجویی تا مسئولین مربوطه، واکنش نشان دادند. چون تربیت معلم یک امریست که نیاز به تخصص دارد و به صورت آموزش رو در رو هست، نه از راه دور که فلسفه پیام نور است. لذا مسئولین پیام نور نباید چنین جثارتی را به مقام شامخ تربیت معلم می‌کردند برای شما کار تدریس لذت بخش تر است یا ریاست

برای من کار تدریس از همه چیز لذت بخش تر است؛ چون معلمی که مد نظر دارم، راحت تر تربیت میکنم. حدود ۴۰ تا از مهم ترین پست های تعلیم و تربیت در اختیار دانشجویهای من می باشد. افرادی مثل آقای چاوشی و کارخانه و غیره. امام خمینی (ره) به من درس داد که عاشق ریاست نباشم. بلکه از این ریاست برای حاکمیت ارزش های دینی استفاده کنم. این کثیف ترین کار است که برای افزایش حقوق، دنبال ریاست باشیم

به عنوان رئیس دانشگاه فرهنگیان شهری چه اهدافی را دنبال می کنید

من برای ریاست اینجا، پیشینه ۴۰ سال تعلیم و تربیت را به عنوان ذخیره

و پشتیبان این مدیریت قرار دادم. ذخیره ای که از بیت رهبری تا کلاس درس و ریاست پردیس و مدیر کل در حوزه دانشگاه و وزارتخانه را شامل می شود. بنده دو هدف اصلی دارم؛ یک شناسایی و پرورش دانشجویان، کارکنان و اساتید مستعد برای خدمت به تربیت معلم، دوم اهمیت و جایگاه تربیت معلم را آنچنان که شایسته ی نامش است، با کمک همین عزیزان به مسئولان ارشد نظام بفهمانم

از دوران دانشجویی بگویید. چقدر در آن دوران فعال بودید و در چه زمینه هایی فعالیت می کردید

در دوران دانشجویی بسیار فعال بودم و دانشجویها را با خودم همراه می کردم. این حجم از فعالیت سبب شده بود تا در سن ۱۹ سالگی و در حالی که هنوز دانشجو بودم، مسئولیت سرپرست شبانه روزی دانشجویها را به بنده بسپارند. به حدی خودم را مشغول کار کردن کرده بودم که از خستگی در جای جای دانشگاه خوابم می برد. حتی روزهای تعطیل هم در دانشگاه بودم و به زور مسئولین و مرحوم حاج حسینی به منزل می رفتم. من به نحوی سختی و زجر را برای خودم واجب می دانستم. به عنوان مثال، مسئولیت دورترین مدرسه ممکن را به عهده گرفتم. مدرسه ای سه کلاسه در قمصر کهریزک که وقتی دو سال بعد آن را تحویل دادم، یک مدرسه شش کلاسه ۲۰۰۰ متری نو بود که با دوندگی بسیار ساخته شده بود

موضوعات صنفی دانشگاه‌های فرهنگیان و به ویژه پردیس شهید مفتاح اعم از خوابگاه و غذاهای دانشگاه و ... با وجود کسر مبالغ هنگفت از حقوق دانشجومعلم‌ان، وضعیت مطلوبی ندارد و همیشه بهانه مسئولان دانشگاه نبود بودجه عنوان شده است. نظر شما در این مورد چیست؟

معتقدم باید از این فرصت تعطیلی برای انجام کارهای تاسیساتی و تعمیراتی استفاده کرد. اما در رابطه با کسر حقوق باید به این نکته توجه کرد که تنها چیزی حدود ۱۰ درصد این مبلغ، در اختیار دانشگاه قرار می‌گیرد و مابقی در سیستم سازمان مرکزی و استانی، برای بالادستی‌ها ارسال می‌شود تا خرج حقوق کارمندان و کارکنان سازمان شود که بنده به این مورد معترضم. لذا اگر دلیل ضعف خوابگاه و غذا و ...، نبود بودجه عنوان می‌شود، به همین دلیل است.

آقای دکتر اخیراً صحبت‌هایی در خصوص اختصاص سرانه غذایی به دانشگاه فرهنگیان و حل موضوع کسر ۲۵ درصد و ۴۵ درصد مطرح شده است. آیا این موضوعات قابل حل شدن است؟

بله چنین موضوعاتی را می‌توان پیگیری کرد و جواب گرفت، اما نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که افرادی که به دلیل هزینه بار بودن دانشگاه فرهنگیان به فکر تعطیلی آن هستند، با رقم خوردن چنین اتفاقی، بیشتر از قبل شروع به کوبیدن این دانشگاه خواهند کرد. استدلالی که

امروز به وسیله آن شخصی مثل رئیس جمهور را قانع کردند، این است که وقتی می‌شود از طرحی مثل مهارت آموزی ماده ۲۸ بدون هیچ هزینه‌ای استفاده کرد، چه نیازی به دانشگاه پر خرجی چون فرهنگیان است. لذا من شخصا با نفس حذف ۴۵ درصد مخالفم و معتقدم باید ساز و کاری مثل اختصاص سرانه غذایی طراحی کرد تا موضوعی که عرض کردم، مشکل ساز نشود.

نظر شما در مورد بسیج دانشجویی دانشگاه چیست و چه برنامه‌ای در جهت ارتقا فرهنگ و تفکر بسیجی در بین دانشجویان دارید؟

رهبری یک جمله قشنگی دارند که می‌فرمایند بسیجی باید وسط میدان باشد تا ارزش‌های انقلاب حفظ شود. باید به بسیج در جهت پیشبرد این هدف کمک کرد، نه اینکه محدودش کرد. لذا چنانچه مسئولی هم با بسیج عناد داشت، خود بسیج باید پای کار بایستد و عاشقانه و مجاهدانه کار کند. ما هم قطعاً با این روحیه آشنا هستیم و کمک خواهیم کرد.

در پایان اگر مطلب یا نکته خاصی خطاب به دانشجومعلم‌ان دارید بفرمایید.

شما دانشجومعلم‌ان جوان به عنوان کسانی که قرار است گام دوم انقلاب را به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت بردارید، بهتر است نگاهی به فراز و فرودها و مدیریت‌های مسئولان آپ در وزارتخانه و دانشگاه فرهنگیان، در ۴۰ سال گام اول داشته باشید. پسران عزیزم، شمایی که وارد تربیت معلم

شدید و این فضا را حس کردید، این پیام من نوشته خواهد شد و در تاریخ ماندگار می‌شود که روزگاری پاک سرشت نامی در راه تربیت معلم التماس کرد که هل من ناصر ینصرنی؛ آیا کسی هست که مرا در این وادی غربت و تنهایی یاری کند؟ من شما را با خدای خودم شاهد می‌گیرم که همانگونه که من ۴۰ سال در این راه مبارزه کردم و سیلی خوردم و گفتند فقط تویی که مشکل داری و سیلی می‌خوری و سر و صدا میکنی و این برای من از سیلی‌ها بدتر بود، شما هم مبارزه کنید. اکنون که نان معلمی را می‌خورید و وارد این حرفه شریف شدید، نسبت به تربیت معلم اعتقاد راسخ و تعصب داشته باشید و با خودتان عهد ببندید که مثل پاک‌سرشت ۴۰ سال پای این قضیه ثابت و استوار بایستید.

قدر این ۴ سال دانشجویی و کسانی که مو سفید تعلیم و تربیت هستند را بدانید و تا هستند از حضورشان استفاده کنید.

غنیمت شمر ای شمع وصل پروانه که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند



ایران

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران،

چند وقت پیش به طور رسمی اعلام کردند که ویروس کرونا وارد کشور شده است و از استان قم به سایر استان‌ها انتقال پیدا کرده است. پیش از این، حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، گفته بود که دشمنان می‌خواهند با بهانه ویروس کرونا فعالیت کشور را به تعطیلی بکشند و آیت الله خامنه‌ای، رهبر ایران هم هدف گزارش ورود این ویروس به قم را، تحت تاثیر قرار دادن انتخابات مجلس خوانده بود. هم‌چنین گروهی از شخصیت‌های نامدار مثل رائفی‌پور و پناهیان گفتند که در اطلاع‌رسانی درباره زمان ورود این ویروس، غرض‌ورزی وجود دارد و می‌خواهند نتیجه انتخابات را تحت تاثیر قرار دهند و از حضور مردم کاسته شود.

گروهی از روشنفکران ایرانی، ضمن انتقاد از پنهان‌کاری و چگونگی مدیریت بحران کرونا در ایران، هشدار داده‌اند که این بحران، گروه‌های کم درآمد را با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌کند و برای مواجهه با آن، آغاز «تغییر ساختاری» ضروری است. انتقادهایی هم نسبت به کشور وارد شد که چرا استان قم را خیلی زودتر قرنطینه نکرده‌اند. مقام‌های ایرانی، اتهام پنهان‌کاری درباره شیوع کرونا را رد می‌کنند. هر چند در روزهای اخیر، چند مقام وزارت بهداشت به تاخیر در شناسایی اولین مبتلایان اذعان کرده‌اند.

اوایل اسفند، تشکیلاتی به نام «ستاد ملی مبارزه با کرونا» تأسیس شد و حسن روحانی در اولین جلسه آن در ششم اسفندماه گفت که تصمیمات این ستاد (از لحاظ شرعی) لازم الاجراست؛ چون هم مصوب شورای عالی امنیت ملی است و هم رهبر ایران از اطاعت از آن تاکید کرده است. از اقدامات اولیه و مهم این ستاد، تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، بازارها و پاساژها، اماکن مقدسه و مساجد و حرم‌ها، بوستان‌ها و... بود که مردم ایران به خوبی از این دستورات تبعیت کردند.



کشور ایران برخلاف سایر کشورهای اروپایی و از همه مهم‌تر در مقایسه با آمریکا، عکس العمل بهتر و با تدبیری پس از انتشار ویروس کرونا داشت و مهم‌ترین اقدام، هم‌دلی و همکاری مردم ایران برای کنترل ویروس کرونا در این مدت بوده است. چیزی که ما در سایر کشورها نمی‌بینیم.

مردم ایران در روزهای سخت هستند و همیشه در سختی‌ها به کمک یک‌دیگر رسیده‌اند و نمونه‌های این کمک‌ها را می‌توان در اقدامات بسیج، سپاه پاسداران، ارتش، نیروهای جهادی و کمک‌های مردمی و... مشاهده کرد.

پرستاران و پزشکان دلسوز ایرانی، از همان اول در خط مقدم جبهه سلامت بودند و جان برکف در راه نجات مردم از خانه و خانواده خود دست کشیدند، در حالی که در کشورهای غربی کمبود کادر درمانی را و حتی خودکشی برخی از پزشکان و پرستاران را دیدیم.



رهبر انقلاب: «این حادثه یک آزمون الهی است. ملت ایران در این آزمون کرونا و این وبای مدرن خوش درخشید. اوج این افتخار ملی به مجموعه درمانی کشور متعلق است؛ زیرا این‌ها جان خودشان را در خدمت مردم قرار دادند. در ذهن ملت، خاطره خوشی از جامعه پزشکی و پرستاری بر جای ماند. انصافاً نیروهای مصلح از همه توان خود استفاده کردند. مردم هم انصافاً مشارکت‌های بسیار زیبا و شگفت‌انگیزی را رقم زدند. در یکی دو دهه اخیر، برخی‌ها تلاش کردند فرهنگ ایرانی را تحقیر کنند؛ متقابل فرهنگ و تمدن غربی هم خودش را نشان داد. این که یک دولتی ماسک و دستکش متعلق به دولت دیگری را مصادره کند و یا مردم در مدت یک ساعت فروشگاه‌ها را تخلیه کنند و یا برای چند دستمال توالت به جان هم بیافتند؛ این نتیجه منطقی فلسفه غربی است. این‌ها نماد زنده شدن غرب وحشی است. مردم ایران به معنی واقعی کلمه، نظم عمومی را پذیرفته‌اند. کرونا در مقایسه با دیگر مشکلات، مورد کوچکی به حساب می‌آید. مسئولان ستاد مقابله با کرونا به طور جدی مشغول کار هستند و برای قشرهای ضعیف، فکریایی کرده‌اند. برخلاف کسانی که در یکی دو دهه اخیر تلاش کردند فرهنگ ایرانی-اسلامی را تحقیر کنند، خوشبختانه احساس تفکر اسلامی و زنجیره ارزش‌های اسلامی در مردم بسیار قوی و راسخ است.

آمریکا



سازمان بهداشت جهانی: آمریکا می‌تواند به کانون شیوع کرونا تبدیل شود

بر خلاف تصور عموم، آن گونه که از آمریکا توقع می‌رفت، نتوانست در برابر کرونا مقاومت کند و به یکی از ضعیف‌ترین کشورها در مواجهه با این ویروس تبدیل شد. کرونا در حقیقت تمام ابهت کاذب و دروغین آمریکا را شکست و نشان داد که آمریکای هالیوودی با آمریکای واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارد. در این کشور پس از گزارش اولین مورد ابتلا به بیماری، اعلام شد همه چیز تحت کنترل است اما نظر می‌رسید وضعیت بدتر از گزارش‌های دولت آمریکا باشد. دونالد ترامپ همچنان تلاش می‌کند خونسردی را به بازار و مردم بازگرداند ولی حرف‌ها با واقعیات از زمین تا آسمان تفاوت دارد. در نیویورک، ارتش، منطقه‌ای به شعاع یک و نیم کیلومتر را قرنطینه کرده است. بازارهای سهام بدترین روز خود را از زمان رکود جهانی سال ۲۰۰۸ تجربه می‌کنند. اما دونالد ترامپ همچنان تلاش می‌کند با سخنان دروغ و خونسردی بیهوده‌اش، مردم را به آرامش دعوت کند. قیمت نفت در آمریکا به بدترین وضع خود رسیده است اما آن‌طور که به نظر می‌رسد، آمریکا برخلاف ادعایی که در جهان دارد، نتوانسته یا کسانی برای چند دستمال توالی به در برابر ویروس کرونا ایستادگی کند جان هم بیافتند و یا برای خرید اسلحه و ما به وضوح وضعیت تاسف‌بار صف بکشند چون احساس خطر فروشگاه‌ها و بازارهای آمریکا را می‌کنند. یکی از سناتورهای غربی مشاهده کردیم. وضعیتی که به غارت گفت که غرب وحشی زنده شد. وقتی کردن شبیه است و خبری از انسانیت می‌گوییم غرب روحی وحشی دارد که با ظاهر ادکلن زده و کراوات زده منافات ندارد چیزی است که خودشان هم به آن معترفند.

جوجه کشی^۹



در ابتدا می‌خواهیم ببینیم اصل ماجرای کاهش تولید، معدوم سازی انجام شد اما جوجه‌کشی چه بوده است.

حدود پنجاه سال است که در تمام دنیا، جوجه یک‌روزه نبود؟

های نر صنعت مرغداری، به دلیل نداشتن آیا امکان صادرات این جوجه‌ها و ارزآوری

صرفه اقتصادی معدوم می‌شوند. حتی گاهی در کشور وجود نداشت؟ چرا برخی با این

اوقات معدوم کردن، گریبان جوجه‌های ماده پیشنهادها مخالفت کردند؟ آیا ممکن نبود این

را هم می‌گیرد تا قیمت مرغ و تخم مرغ از حد جوجه‌ها به مراکز خیریه یا افراد فقیر تحویل

مطلوب تولیدکنندگان و دلان پایین‌تر نیاید. داده شود تا مورد استفاده محرومان قرار

حالا هم به دلیل آماده شدن برای ایام عید گیرد؟ آیا این قضیه از نظر شرعی هم بررسی

و ماه و رمضان، مرغداران تولید خود را به نشد، آن‌هم در کشوری که ادعای علمداری

حداکثر رسانند اما با شیوع ویروس کرونا که تشیع و اسلام را دارد؟

منجر به تعطیلی رستوران‌ها، تالارها، سلف‌های

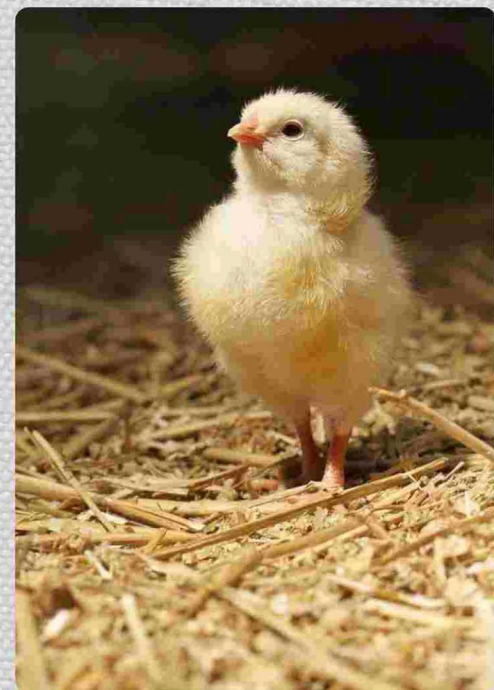
دانشگاهی و.. شد، تقاضا پایین آمد و قیمت

مرغ هم دچار کاهش سی درصدی شد. حالا به

دلیل بی‌مسئولیتی دست‌اندرکاران تولید، در



درواقع چیزی که باعث شد این سوال بی‌جواب بماند، تفکر حاکم بر جامعه ماست. تفکری که نه تنها له شدن جوجه‌های یک‌روزه برایش هیچ اهمیتی ندارد، بلکه به له شدن انسان‌ها زیر فشار اقتصادی هم اهمیتی نمی‌دهد.



تفکر لیبرالی و سرمایه‌داری‌ای که حاضر است برای کسب ثروت و قدرت، تمام مخلوقات خدا را هم زنده زنده دفن کند، بمب بسازد، جنگ راه بیاندازد، هر روز شکاف طبقاتی را بیشتر کند و.... همین تفکر که امروز میلیون‌ها جوجه را زیر خاک‌ها مدفون می‌کند، چندسال پیش هم سیب زمینی زیر خاک مدفون می‌کرد. زادگاه این تفکر هم گندم به دریا می‌ریزد تا مبادا سود کمتری نصیبش شود و محرومان یک دقیقه نفس راحت بکشند.

این را هم بدانید که اگر در آینده‌ای نزدیک با بحران کمبود مرغ و تخم مرغ مواجه شدیم، این مسئله نه ربطی به تحریم‌های آمریکایی دارد و نه ربطی به کرونا. این یک خیانت دولتی است. غرب وحشی، دانش آموخته‌هایش را هم وحشی می‌کند.

خانه ملت

خانه ملت در زمان نیاز ملت تعطیل می شود؛ درست در زمانی که ویروس کرونا در کشور شیوع پیدا می کند و همه ی دستگاه های حاکمیتی را درگیر می کند و کشور در یک وضعیت بحرانی بیولوژیک قرار میگیرد، مهمترین نهاد قانونگذاری کشور که می تواند در این شرایط به عنوان بازوی قانونگذاری به کمک سایر نهادهای حاکمیتی برای کنترل این شرایط بیايد، تعطیل می شود! آری مجلس که خانه ملت است و به قول بنیانگذار کبیر انقلاب امام خمینی (ره): مجلس در راس امور است» اما انگار نمایندگان مجلس خورشان از خون ملت رنگین تر است و با اینکه بسته ویژه بهداشتی خود را با کیف های خوش رنگ در صحن مجلس دریافت کرده بودند، مجلس را تعطیل کردند. البته ناگفته نماند که نمایندگان مجلس در حالی بسته بهداشتی خود را دریافت کردند که ساده ترین وسایل بهداشتی در کشور برای مردم پیدا نمی شد! حال سوال اینجاست که اگر خدایی نکرده به جای شرایط بحرانی بیولوژیک، کشور در یک شرایط جنگی هم قرار می گرفت باید نمایندگان از ترس جانیشان مجلس را تعطیل می کردند؟ البته از این نمایندگان خیلی هم بعید نیست.

تازه بعد از تعطیلی مجلس حتی جلسات مجازی مجلس هم به حد نصاب نمی رسید در سوگندنامه ای که نمایندگان در ابتدای شروع کار خود در مجلس قرائت می کنند، این چنین آمده است که: «من در برابر قرآن مجید به خدای قادر و متعال سوگند یاد می کنمو در انجام وظایف وکالت، امانت تقوا را رعایت کنم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم» سوال این است که آیا کمک مجلس در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا، خدمت به مردم نیست؟

حال از همه ی این ها که بگذریم، در اولین جلسات مجلس بعد از تعطیلی در فروردین ماه سال جاری، نمایندگان افزایش ۱۵ درصدی حقوق خود را تصویب می کنند، و اگر حقوق نمایندگان مجلس را ۱۰ میلیون تومان در نظر بگیریم، یک میلیون ونیم به حقوق آنها اضافه می شود، این در حالی است که حداقل حقوق کارگران حدود یک میلیون و هشتصد و سی هزار تومان تعیین می شود.

تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل...



مغزهای کوچک زنگ زده



هر حکومتی برای ملت و مردم خود باید برنامه‌ای سرگرم کننده داشته باشد و علاوه بر آن، عقاید و لایه‌های بنیادین جامعه خویش را بعضاً با چالش رو به رو کند تا آن لایه تحکیم پیدا کند و آن را تبلیغ کند. بی‌شک برای ابراز و انجام این فریضه هر حکومت نیاز به یک رسانه پویا و فعال دارد. نقطه ثقل رسانه هر حکومت، به عبارتی صدا و سیمای آن حکومت است؛ سازمانی که در عصر معاصر برای ایجاد یک انقلاب و یا یک حکومت بدیع (مانند سال ۱۳۵۷ و انقلاب اسلامی)، نیاز به تسخیر آن دارد تا بتوان از فراز آواهای صوتی آن صفیر یک جامعه نو را به گوش همه‌گان رساند چند سالی است که صدا و سیمای کشورمان با بی‌نظارتی و کنش‌های منفعلانه مدیریت می‌شود. نظارتی که بر عملکرد این سازمان وجود ندارد، حاصلش وجود مشکلات و فعالیت‌هایی شده است که رئیس این سازمان در نامه‌ای به معاون سیمای خود فراخوان در جستجوی ستون پنجم می‌دهد.

سازمان صدا و سیمای ایران در چند سال اخیر، واکنشی مدیریت می‌شود؛ به طوری که پس از نشان دادن ۱۵ قسمت از «سریال پایتخت ۶» (با ضعف‌های فراوان) این سازمان منتظر می‌نشیند تا از مردم بازخورد بگیرد و پس از آن تازه به فکر پیدا کردن مشکلات و به قولی ستون پنجم باشد! واکنش‌های بس افراطی و فرار گونه و با تحقیر کردن خود و بنیاد نظام انقلاب اسلامی. سازمانی که چند سالی است با تحقیر کردن خود و بهادادن بی حد و حصر به سلبریتی‌ها به دنبال احیاء می‌گردد تا در برابر رسانه‌های دیگر کمی فیگور پشت بازو بگیرد؛ اما فیگوری که با یک سوزن زدن در برنامه‌های تلویزیونی‌اش بادش خالی می‌شود. البته با کمی تحقیق در فروش‌های سینمای ایران می‌توان دلیل این رویکرد ذلیلانه و دست و پا زدن‌ها را در عوض شدن سلیقه‌های مردم دید.

انقلابی که با آزاد اندیشی و به چالش کشیدن بنیادهای خود به وجود آمده، امروزه در رسانه مهم خود دچار یک ولنگاری مدیریت شده است که انتقاد یک سلبریتی را حتی به اشتباه در برنامه خود ندارد و به شکل خیلی فجیع، آن پخش زنده را قطع می‌کند. رسانه‌ای که انتقاد به مسئولین کشور خود را سانسور می‌کند. سازمانی که عملاً نظارتی بر آن نیست که این گونه سانسورها و ممیزی‌های افراطی و بدون فکر می‌زند تا در رسانه‌های معاند، به تمسخر کشیده شود.

اگر کمی از بن‌مایه‌های فکر دهه شصتی و شرایط جنگی و توهم ستون پنجم فاصله بگیریم و کمی نگاه و تفکر خود را توسعه ببخشیم و آن را مدیریتی کنیم، شاید دیگر از لفظ دشمن و ستون پنجم استفاده نکنیم و به جای این که توان خود را بر روی پیدا کردن نفوذی و دشمن خارجی بگذاریم، به دنبال مدیری باشیم که از شدت کحولت سن و اختیار تام و بدون نظارت، مغز کوچکش زنگ زده است و لایه‌ای ضخیم روی آن را پوشانده تا از درک نیاز کنونی جوانان و آحاد مردم جامعه و لزوم آزاد اندیشی و فعالیت‌های فعالانه و آبرومند و مفید بماند. جامعه کنونی ایران، جامعه‌ای نیست که بخواهد با تعصب مدیریت شود. شرایط کنونی، مدیریتی را می‌طلبد که با تفکر و منطق عقلانی، فعالیت کند. سازمانی که نتواند به سؤال عموم جامعه پاسخ دهد و با رویکردهای متعصبانه، به جای پاسخ به شبهات، آن‌ها را جهل خواص بداند و سانسور و سرکوب کند، باید آن را کوفت و از نو ساخت... این سازمان نیاز به آدمی دارد که جوانان را با خود همراه کند تا مغزهای زنگ زده را از این سازمان و از این جامعه، دور کند.



سه سالی است که مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری گزارشی جامعه شناسانه و تحلیلی بر مبنای مطالعات فرهنگی، از فیلم های جشنواره فجر منتشر می کند. به ادعای این مرکز، این گزارش تجمیع و جمع بندی نقد ها و نظرات اهالی عرصه هنر و فرهنگ از سینمای ایران، در جشنواره فجر است.

چرا جامعه شناسانه؟

همواره بحث بر سر هنر برای هنر یا هنر برای ایدئولوژی و یا بالعکس داغ است. عده از جامعه شناسان و فعالان فرهنگی معتقدند سینما از وضعیت موجود جامعه تاثیر می پذیرد و در نهایت تاثیر می گذارد. از فلسفه که بگذریم گویا گزاره هایی وجود دارد که تقریباً همه ما قبول داریم. همه ما سینما را به عنوان هنری شگفت آور و تاثیر گذار میشناسیم. بی شک مناسبات زندگی جامعه و حاکمیت ما، با سینما نسبتی دارد. سینما از وضعیت موجود ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی و... ما تاثیر می پذیرد. چرا؟

هر فیلم می تواند آینه زندگی و امیال و آرزو ها و خلا های آن سینماگر باشد. فارغ از اینکه این آینه چقدر اغراق شده، درست یا غلط، زشت یا زیبا، امیدوارانه یا مایوسانه باشد، به هر حال روایتی است از ذهن آن سینماگر، و ذهن آن سینماگر ناگزیر، تحت تاثیر جامعه و لحظه تاریخی است که در آن زیست می کند. آنچه سینما گر می بیند، آنچه میشنود، آنچه ادراک می کند، همان چیزی است که بر پرده جادویی به نمایش در می آورد. پس بی تردید

هرفیلمی نسبتی با جهان اطراف آن سینماگر دارد و به تبع، نسبتی با جامعه.

در ادبیات جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی مفاهیمی وجود دارند که خبر از لایه پنهانی از افکار و امیال و اعمال مردم آن جامعه میدهند. لایه ای که آشکار نیست و باید پرده های رویین آن جامعه را کنار زد و افکار و اعمال مردم را واکاوی کرد تا به آن رسید.

هگل (فیلسوف آلمانی) از روح زمانه سخن می گوید و یونگ (فیلسوف و روان پزشک آلمانی) واژه ناخودآگاه جمعی را به کار می برد. حتی شهید مطهری هم در برخی آثار از لفظ ناخودآگاه جامعه استفاده می کند. همه این مفاهیم در رشته و جایگاه های خودشان معانی متفاوتی دارند و به یک معنی نیستند. اما مقصود نگارنده از آوردن آنها کنار هم این است که گویا همه آن ها به دنبال کشف یک برداشت از کل یک جامعه فارغ از افراد و اجزا متکثر آن هستند و آن را در ابعاد مختلف افکار و احساسات مردم یک جامعه جست و جو می کنند. وحدتی پنهان که در دل تکتیری آشکار است و مردم جامعه خواسته یا ناخواسته در زمین بازی ناخودآگاه پنهان خود حرکت می کنند.

مردم یک جامعه همواره وضعیت موجودی دارند که از آن راضی یا ناراضی اند و به دنبال وضعیت مطلوبی می گردند.

این وضعیت موجود حاصل رابطه مردم و حاکمیت در نسبت با ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و.. است. وضعیت مطلوب تصویری از همه این ابعاد در بهترین شرایط است البته متناسب با نظام معرفتی آن جامعه که در ایران نظام معرفتی انقلاب اسلامی است.



سینما، حاکمیت و ما



این تصویری است که سینمای ایران امروز، از وضعیت جامعه و حکمرانی ارائه می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت سینمای امروز سینمای اعتراض است، سینمای خروج. خروج از وضع موجودی که هر سینماگر بخشی از آن را روایت می‌کند، البته با سلائق و جهان بینی‌های مختلف. اما اعتراض و خروج علیه وضع موجود در آنها مشترک است. خروج از چه و برای چه؟ شاید یکی از مهمترین سوال‌هایست که باید به دنبال پاسخ آن گشت. ساعت‌ها می‌توان راجب کیفیت این خروج، چرایی آن و هدف آن صحبت کرد. اما در این مختصر، نگارنده به دونکته بسنده می‌کند. اول اینکه این خروج، با هر نوع نگاه و جهان بینی از سوی سینماگر، روایت واقعی در جامعه است، جامعه‌ای که به هر حال نسبت به گذشته اعتمادی کمتری به حاکمیت دارد و از مذهب دلزده‌تر شده است و خود را به شورش می‌طلبد. شورش علیه وضع موجود. در این بین برخی چاره‌پس از این خروج را در مطالبه‌گری آرمان‌ها می‌بینند و برخی در شیدایی و صرف‌رهایی از بند وضع موجود. برخی هم تلاش برای اصلاح آن را بی‌فایده می‌دانند.

نکته مهم این است که حاکمیت، فعالان و سیاست‌گذاران فرهنگی و سینماگران، باید این پیام‌ها را جدی بگیرند. فارغ از کیفیت این پیام‌ها، به هر حال این افکار و احساسات، اول در ناخودآگاه جامعه و بعد در آینه سینماگران وجود دارد. وظیفه سیاست‌گذاران است که با چشم باز برای آینده ایران اسلامی تلاش کنند. بدون توجه به آنچه در افکار و احساسات مردم جامعه می‌گذرد، برنامه‌ریزی و جست‌جوی وضعیت مطلوب آرمان‌ها، میسر نیست.

سینما چه برای ما دارد؟ بی‌شک سینما به مثابه آینه‌ای از همین جامعه و ناخودآگاه آن، پیامی برای ما و حاکمیت دارد و از وضعیت موجود تاثیر می‌پذیرد و بر آن تاثیر می‌گذارد. اما برای وضعیت مطلوب راه کار یا سوی امیدی دارد؟ جواب این سوال بماند در در پایان این نوشتار. بنابراین سینما از آن جهت که بیانی هنرمندانه توسط دریچه ذهن سینماگر، از وضعیت امروز دارد فارغ از اینکه چقدر درست یا غلط است حاوی پیام‌های مهمی است؛ که می‌تواند در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی حاکمیت و جامعه برای عبور از وضعیت موجود به سمت مطلوب موثر و تعیین‌کننده باشد.

سینمای ایران، سینمای خروج

بخشی از گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک: ایران امروز چگونه است؟

انعکاس سینما از ایران جامعه‌ای آغشته به «آسیب‌های اجتماعی» مختلف است، جایگاه «مذهب»، «اعتماد» و «سرمایه اجتماعی» در آن رو به افول است. اقشار در حاشیه تحت فشار هستند و هم جامعه و هم سیاست‌مداران، «قمارهای سیاسی و اجتماعی» را به «تولید اقتصادی با ثبات» ترجیح می‌دهند. شکاف عمیقی بین «الگوهای فرهنگی مورد حمایت عموم جامعه» و «الگوهای فرهنگی مورد حمایت نظام سیاسی» وجود دارد. «امید» برای بهبود وضعیت در آینده اندک است و به دلیل ضعف و ناکارآمدی نهادهای حقوقی و قانونی، اشخاص خود را نسبت به تعیین سرنوشت مسئول می‌دانند و در صورت لزوم ترجیح می‌دهند خود نسبت به اصلاح شرایط اقدام کنند.

(تصویر ایران در فیلم‌های سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر - مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری - صفحه ۱۱)

فضای مجازی و کرونا

فضای مجازی تا حد زیادی در زندگی ما جریان یافته که می توان گفت روزهای خانه نشینی بدون این فضای هیجان انگیز سخت است.

در عصر کنونی فضای مجازی آنقدر در زندگی ما رخنه کرده است که انکار آن امری دور از منطق و ساده لوحانه است و شاید وقت آن رسیده است که نام دیگری برای آن انتخاب کرد. امروزه ارتباط رسانه ای نظیر فیس بوک، تلگرام و اینستاگرام، عامل اصلی استقبال از گوشی های هوشمند شده اند؛ کاربران بسیاری از این بسترها برای ابراز علاقه، شادی، ناراحتی و اندوه و البته مسائل روز دنیا استفاده می کنند و ساعت ها را با گردش در پیچ و خم کانال ها و صفحات زندگی می گذرانند.

یکی از اصلی ترین. کاربرد این فضا ها امروز به انتشار اخبار، تصاویر، مطالب و فیلم های مرتبط با کروناست. متأسفانه با ورود کرونا به حیطه روح و روان جامعه، بارگزاری انواع مطالب در صفحات پر بیننده بدون تحقیق در خصوص درستی و صحت آن، موجب فراگیری سیل عظیمی از شایعات و اضطراب مردم شد. از طرفی همه گیری مهربانی ایرانیان، حضور اقشار مختلف در میدان مبارزه با کرونا، راه اندازی پویش های مختلف اجتماعی، آرایه اطلاعات دقیق و امید بخش و بارگزاری آخرین اخبار مبتلایان به این ویروس به صورت گسترده توسط فضاهای مجازی مورد توجه قرار گرفت تا جایی که نقش آنها در اطمینان بخشی، به دل های مردم و ایجاد امنیت روانی در جامعه انکار نشدنی است.

اما نقش فعالان رسانه ای اطلاع رسانی واقع بینانه همراه ارتقای آموزش های همگانی برای مبارزه با کرونا؛ استفاده از منابع معتبر و موثق برای اطلاع و اخبار به جامعه؛ ارتقا فرهنگ انسجام اجتماعی؛ تقویت امید، شجاعت، آگاهی و همکاری ملی و همگانی؛ ارتقا فرهنگ بهداشتی و پزشکی جامعه؛ ارتقا سواد رسانه ای که باعث تشخیص مطالب درست و غلط می شود.



افسردگی در دوران کرونا و راهکارهای مبارزه با آن

بیشتر افرادی که از افسردگی رنج می برند به سختی می توانند دید مثبتی به زندگی داشته باشند، به همین دلیل گذشت زمان، تمرکز روی افکار منفی و پرورش آنها باعث افزایش مجدد افسردگی در آنها می شوند

به همین دلیل پیشنهاد می شود که در لحظه زندگی کنید تا از افکار مزاحم رهایی یابید. همچنین می توانید از شیوه های ذهن آگاهی برای رهایی از افکار منفی و تقویت افکار مثبت استفاده کنید.

استرس و اضطراب شدید در وضعیت موجود به احتمال شرایط را برای ابتلاء بسیاری از افراد و هموطنان به اختلال افسردگی عمده مهیا نماید. نشانه های افسردگی عمده گسترش افکار ناامیدی، عدم لذت از زندگی، گوشه گیری، میل به خودکشی و پایان زندگی و افزایش غم و اندوه است.

همه می توانند تحت تأثیر کرونا ویروس قرار بگیرند. این بیماری با همه یکسان رفتار می کند. همه در حال طی کردن یک روند هستیم

در این دوره بخش بزرگی از جامعه به علت شیوع این بیماری همه گیر به دنیای درونی خود روی آوردند.

در این ایام کرونایی و قرنطینه خانگی، اخبار منفی یا ضد و نقیض رسانه های مجازی پیامدهای اضطراب و افسردگی و بی خوابی را به همراه خواهند داشت.

وقتی اضطراب زیاد می شود، زندگی سخت تر می شود. افسردگی بیش از حد فشار سیستم ایمنی بدن را تحت تأثیر قرار می دهد. به این منظور برای مقابله با افسردگی در دوران قرنطینه و ایام این ویروس راهکارهای زیر پیشنهاد می شود.

ما باید از اضطراب دوری کنیم. ما باید مراقب باشیم و از رسانه های اجتماعی به صورت انتخابی در این زمینه استفاده کنیم.

بهتر است با همان روال هر روزه رفتن به کلاس درس، در ساعت مشخص از خواب بیدار شوید باید از این دوره نامشخص و منفی معانی مثبتی به دست آوریم. شاید این دوره بتواند به ما در درک ارزش عزیزان مان بیشتر کمک کند و با آنها بیشتر وقت بگذرانیم و به نارضایتی ها پایان دهد می توان اهداف جدیدی را تعیین کرد و به جلو حرکت کرد. ممکن است مواردی وجود داشته باشد که ما آنها را به تعویق انداخته و غفلت کرده ایم را انجام دهیم. شاید بتوانیم کتاب هایی را بخوانیم که پیش از این وقتی برای آن نداشته ایم، شاید بتوانیم بنویسیم.

می توانیم اولویت های خود را مرور کنیم. به عبارت دیگر، می توانیم از خودمان بپرسیم "آنچه تاکنون انجام داده ایم برای جامعه چقدر مفید هستند، خواسته های ما چیست، اولویت های ما چیست؟" با اندیشه اولویت های خود را تعیین کنیم. برای کسانی که در خانه تنها هستند.

پیگیری احوال دوستان، اقوام و آشنایان می تواند کمک زیادی کند. این تا حد زیادی باعث کاهش میزان استرس، تشویش و نگرانی ها در فرد می شود. با خانواده و دوستان خود که مدت ها است با آنها ارتباط برقرار نکرده اید، از طریق تلفن و دیگر شبکه های اجتماعی می توانید صحبت کنید سعی کنید از گمانه زنی ها خودداری و منابع معتبری را در مورد شیوع این بیماری جستجو کنید.

شایعه و حدس و گمان می تواند اضطراب برانگیزد. دسترسی به اطلاعات با کیفیت بالا در مورد ویروس می تواند به شما کمک کند تسلط بیشتری به پیرامون خود داشته باشید؛

از همه اخبار دوری نکنید و همچنان به اطلاع رسانی و آموزش ادامه دهید، اما در صورت مزاحم بودن اخبار، خواندن آنها را محدود کنید؛

برای کسب آرامش بیشتر از تکنیک های مدیریت استرس مانند یوگا، مدیتیشن و تای چی استفاده کنید. در خانه فعالیت بدنی داشته باشید. نرمش های ساده باعث افزایش سطح هورمون های اندروین و سروتونین شده و به شما احساس بهتری می دهد؛

به تغذیه ی خود توجه کنید و یک رژیم غذایی متعادل داشته باشید؛

موضع دلسوزانه و حمایتی، شانس پیشگیری و بهبود را افزایش می دهد. به یاد داشته باشید که هر سرماخوردگی یا سرفه مربوط به ویروس کرونا نیست.

طبیعی است که هنگام خواندن خبرهایی در مورد شیوع بیماری، احساس آسیب پذیری کنید. اما مهم است که این احساسات را کنترل و به دیگران یادآوری کنید تا از سلامت جسمی و روحی شما مراقبت کنند. همچنین باید از عادت هایی که در دراز مدت مضر هستند، مانند سیگار کشیدن، استفاده از قلیان و نوشیدن الکل و ... خودداری کنید.

شرایط بازگشایی مدارس و دانشگاه ها

بسیاری از مدارس و دانشگاه های جهان در قرنطینه و خانه نشینی به سر می برند، به همین دلیل مدارس و دانشگاه ها تعطیل و آموزش به صورت مجازی و آنلاین ارائه می شود. اما وضعیت به این صورت نخواهد بود و مدارس و دانشگاه ها باز خواهند شد و آموزش به صورت حضوری انجام خواهد گرفت البته بعد از رد شدن از شرایط کرونا. برنامه بازگشایی مدارس و دانشگاه ها باید شامل رعایت فاصله اجتماعی، رعایت موارد بهداشتی مثل استفاده از دستکش و ماسک و یا شستن مرتب دست ها، سیستم حمل و نقل خصوصی، کنترل دمای بدن دانش آموزان و دانشجویان، مکان های مشخص دانش آموزان و دانشجویان در کلاس، تقسیم کلاسها، کوتاه کردن زمان کلاس ها، استفاده از سیستم تهویه مناسب، ضد عفونی کردن سطوح، فعالیت بدنی مناسب و تغذیه سالم است.



گام دوم انقلاب و مولفه‌های آن

بیانیه گام دوم دارای آموزه ای جامع و کامل است. نکته آن است که به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می کنند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر انقلاب با این تعبیر آمده است: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع «خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید

برای اینکه بتوان درمورد بیانیه در فاز خرد و کلان بحث کرد، باید فضای حاکم بر زمان صدور این بیانیه را توصیف کرد. لازم است فضایی را یا آن که این بیانیه در آن شکل گرفته است، به صورت مقدمه بیان کنیم، چون لازمه فهم این بحث ورود به فضای کلان است. شاید نکته اول، فضای حاکم بر بیانیه بود که همزمان با چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی بود. برجسته ترین مساله ۴۰ سالگی انقلاب بود، برجسته بودنش به خاطر اهمیت دوام آوردن بزرگ ترین انقلاب قرن با وجود دشمنان سرسخت دنیا بود. ۴۰ سالگی انقلاب با همه مباحثی که در مورد عدد ۴۰ در فرهنگ و آیین ما مطرح یا استنباط و استخراج می شود، هم به جنبه ایجابی و هم به جنبه سلبی باعث شد مقام معظم رهبری این بیانیه را صادر کنند. یعنی بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب با توجه به عدد ۴۰ ایجاب می کرد که رهبر انقلاب ورود کند و مروری بر نهال یا موجودیت ۴۰ ساله ای که به هر حال نشان از پختگی و گذشت از دوره جوانی دارد، داشته باشند که این مساله ایجابی این بیانیه است. نکات مهم این بیانیه به صورت زیر است

نکته اول: تکریم و تعظیم ملت ایران

نکته دوم: توصیف انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت بزرگ دینی

نکته سوم: اضافه کردن شعارهای جدید به شعارهای انقلاب

نکته چهارم: انقلابی ماندن

نکته پنجم: ایجاد تمدن نوین اسلامی

نکته ششم: تاکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب

نکته هفتم: بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل

نکته هشتم: اعتقاد به اصل «ما می توانیم»

نکته نهم: تاکید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی

حال هفت دستاورد انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته عبارتند از: ضمانت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله؛ پیشرفت شگرف در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، در حالی که ایران پیش از انقلاب در تولید علم و فناوری صفر بود. در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت؛ به اوج رسانیدن مشارکت مردمی در امور سیاسی مثل انتخابات و مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبار ستیزی؛ ارتقای شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی؛ سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است؛ افزایش دادن چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه. مصداق هایی که بیان می کند بسیار جالب است، مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس و روحیه برادری و ایثار که واقعا در آنجا بود. که چطور عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه بالا رفت. الان هم خانواده های مدافعان حرم را می بینید، باز هم همین احساس را دارند.

برجسته تر شدن روزه روز نماد پر ابهت و با شکوه و افتخار آمیز ایستادگی در برابر مستکبران جهان در راس آن آمریکای جهان خوار. این هم به عنوان دستاورد دیگری است که برای مردم ایران افتخار آفریده است.

نکته دهم: باور عمیق به انقلاب و انقلابی گری به مثابه مشی و منش نکته یازدهم: کارنامه درخشان ۴۰ ساله انقلاب اسلامی (داخلی و خارجی).

نکته دوازدهم: امید و نگاه خوش بینانه به آینده که شامل علم و پژوهش_معنویت و اخلاق_اقتصاد استقلال و آزادی_عدالت مبارزه_با فساد.

عزت ملی و مرزبندی با دشمن و روابط خارجی_سبک زندگی است.